

Research Article

Principles of the Qur'anic and Political Ideology of Imam Khomeini*

Arash Daneshmehr¹, Reza Ramezani²

¹ Master Student, Political Science, Department of Political Science, Ayatollah Borujerdi University, Borujerd, Iran (**Corresponding Author**). leviathan821@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Ma'aref, Ayatollah Borujerdi University, Borujerd, Iran. ramazanireza19@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present article is to research about the principles of Imam Khomeini's political ideology. The method of study is descriptive analysis and the results showed that in his doctrine, every political attempt is divided into Godly and non-Godly. He holds that if the attempts of administrators, leaders, social planners and reformers target people's prudence, spirituality, and convenience, their politics would be recognized as Godly. Therefore, if the leaders adhere to the political traditions of Ahl al-Bayt, their decisions would be for God; otherwise, it would be for evil. Imam Khomeini in some of his speech emphasizes that the main mission of the holy prophets and saints has not been the establishment of a government because they have verily come for the ethical and spiritual treatment and purification of human being. Yet, he acknowledges social administration and political order in human society as a serious and inevitable issue such that he recognizes the Qur'an as a combination of spiritual gnosis and plans for human being as well as a comprehensive book for the governments. He holds that the relation between social verses compared to religious verses in the Qur'an is even more than 10 to 1. Imam Khomeini who considers the Qur'an as the book of law, asserts that the nature of Qur'anic instructions implicitly emphasize the need to government and hence he believes in the necessity of political system and social order for the gnosis growth and spiritual progress of humans.

Keywords: Imam Khomeini, Political Ideology, Qur'an, Politics, Political System.

* **Received:** 2020/04/14 ; **Accepted:** 2020/08/15

** Copyright © the authors

اصول اندیشه سیاسی قرآنی امام خمینی^۱

آرش دانش‌مهر^۱، رضا رضانی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران

(نویسنده مسئول). leviathan821@gmail.com

^۲ استادیار، گروه معارف، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران.

ramazanireza19@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی اصول اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی می‌باشد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و یافته‌ها نشان داد، در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی سیاست و هرگونه تلاش سیاسی به دو بخش الهی و غیرالهی تقسیم شده است. وی معتقد است که اگر تلاش مدیران، رهبران و برنامه‌ریزان امور اجتماعی و اصلاح‌طلبان و تحول‌خواهان در جهت صلاح، معنویت و مصالح مردم باشد، سیاست الهی نام دارد. این همان مفهومی است که درباره‌ی اهل بیت به کار رفته است، و اگر چنین نباشد سیاست شیطانی است. امام خمینی با اینکه در برخی از سخنان خود تصریح دارد که اساساً هدف اصلی انبیاء مسأله‌ی حکومت نبوده است و آنان برای تربیت و تزکیه‌ی اخلاقی و روحی انسان‌ها مبعوث شده‌اند، اما، مقوله‌ی مدیریت اجتماعی و نظم سیاسی جوامع بشری را تا آنجا جدی و اجتناب‌ناپذیر می‌شناسد که قرآن را به عنوان مجموعه معرفت‌ها و برنامه‌های معنوی و تربیتی انسان، کتاب حکومت دانست. وی بر این باور است که نسبت اجتماعات قرآن با آیات عبادی آن از نسبت صد به یک هم بیشتر است. امام خمینی که قرآن را کتاب قانون می‌شمارد، تقاضای تشکیل دولت را در طبیعت تعالیم قرآن نهفته می‌داند و براساس تعالیم قرآنی به ضرورت تشکیل نظام سیاسی و نظم اجتماعی جهت رشد معرفتی و تکامل معنوی انسان‌ها باور دارد.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، اندیشه سیاسی، قرآن، سیاست، نظام سیاسی.

۱. مقدمه

نظریه‌پردازی در قرآن کریم به عنوان یک اصل مهم، نه تنها در بُعد مذهبی، بلکه در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی احیاگر طرح‌ها و برنامه‌های خاصی بوده است. یکی از حوزه‌هایی که قرآن کریم می‌تواند در خصوص آن نظریه‌پردازی کند، حوزه نظام سیاسی است. خاستگاه اندیشه‌ها می‌تواند از متن آیه‌ها برخیزد، یعنی، نظریه‌پرداز با الهام یا حدس برخاسته از یک آیه قرآن نظریه‌ای ارائه می‌کند و با توجه به شرایط و قرائن علمی آن را سامان می‌دهد. امام خمینی با نگاهی بدیع به معنا و مفهوم نظریه‌پردازی، نزدیک‌ترین روش را آموزه‌های اهل بیت(ع) و عرفا می‌داند و فهم آموزه‌ها را لازمه درک بهتر معارف و حقایق قرآن معرفی می‌نماید. ایشان معتقد بود: سیاست این است که تمام مصالح جامعه و تمام ابعاد انسان را در نظر بگیرد و امور را به طرف آنچه صلاح است، صلاح ملت و صلاح افراد است، هدایت کند و این مختص انبیاء است و دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند. انبیاء شغلشان سیاست است. دیانت همان سیاستی است که مردم را از اینجا حرکت می‌دهد و تمام چیزهایی که به صلاح ملت است و به صلاح مردم است را به آنها نشان می‌دهد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۴۳۲؛ ۱۳۸۰، ص ۲۴۶). بنابراین، یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین جنبه‌ها و ابعاد قرآن‌شناختی امام خمینی را باید در رویکردهای خاص ایشان در فهم و تفسیر^۱ آیات مبتنی بر آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن کریم جستجو نمود.

هدف از طرح اندیشه سیاسی در قرآن کریم از دیدگاه امام خمینی این است که سیاست را با مفهومی که در آیات و روایات آمده و همه ابعاد زندگی بشر اعم از فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را که دربر می‌گیرد، به عنوان نقشه راه زندگی بشر امروز برای وصول به حیات طیبه تدوین و ارائه دهد.

بر این اساس و بنابر اهمیت موضوع، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که:

اصول اندیشه سیاسی قرآنی امام خمینی شامل چه محورهایی می‌باشد؟

۲. روش پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش، روش پژوهشی کیفی و از نوع توصیفی - تحلیلی است.

۳. بحث نظری

الف. سیاست

فهم درست مفهوم سیاست در فرهنگ اسلامی در گرو فهم وظائف حکومت اسلامی و مقایسه آن با وظائف سایر حکومت‌ها و نیز رسیدن به تمایزات سیاست اسلامی با غیر آن است. به طور کلی می‌توان برداشت‌های مختلفی از سیاست را در مکتب قدرت و مکتب هدایت طبقه‌بندی کرد. در مکتب قدرت، غایت دولت، امور دنیوی است، اما در مکتب هدایت، غایت دولت، امور اخروی است. در اولی، دنیا مقصد است و در دومی، آخرت، مقصد و دنیا منزلگاه.

مفهوم سیاست، در مکتب هدایت عبارت است از: تلاش انسان‌ها در جهت تحقق قانون الهی در روی زمین، به رهبری انبیاء، اوصیاء و اولیاء جهت نیل به سعادت قصوا. از همین رو سیاست در فرهنگ اسلامی به تدبیر نیز تعبیر شده است.

امام خمینی نیز در یک مورد به طور عمومی به تعریف سیاست پرداخته و در جای دیگر، به طور خاص و از زاویه ارزشی به مقوله سیاست توجه کرده، گونه‌های مختلف آن را ارائه کرده‌اند. ایشان در عرصه عمل سیاسی، تفسیری عمل‌گرایانه از قرآن دارد و می‌کوشد با تحلیل و معرفتی که از اوضاع زمانه خویش دارد، به درک معنایی و زمانی آیات قرآن نزدیک شود و با بهره‌مندی از چنین مفاهیم و قرابتی، هم غایت و هم روش مبارزاتی خود را از قرآن تعریف و تبیین نماید. لذا، امام خمینی بر این عقیده است که قرآن جامع و شامل تمام مصالح بشری و ضامن سعادت انسان در دنیا و آخرت است و می‌فرماید: «ما یک همچو کتابی داریم که مصالح شخصی، مصالح اجتماعی، مصالح سیاسی، کشورداری و همه چیزها در آن هست ...» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸، ص ۴۲۳). از دیدگاه ایشان اسلام دین سیاست است، سیاستی که به وسیله انبیاء و پیروان راستین آنها، به دور از هرگونه دروغ، فریب، تزویر، به تحقق حکومت عدل و انسانی در جامعه می‌انجامد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۴۳۲). ایشان سیاست را به سه بخش تقسیم نموده است:

۱. سیاست شیطانی: عبارت است از دروغ‌گویی، خدعه، فریب و... . هیچ ربطی به سیاست اسلامی ندارد، این سیاست شیطانی است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۴۳۱).

۲. سیاست مادی: امام خمینی در تبیین آن می‌فرماید: اگر فرض کنیم یک فردی پیدا شود که سیاست صحیح مادی را اجرا کند، نه به آن معنای شیطانی فاسدش. سیاست او اگر صحیح هم باشد، امت را در یک بعد هدایت می‌کند و راه می‌برد و آن بعد حیوانی است. بعد اجتماعی مادی است و این سیاست یک جزء ناقص سیاستی است که در اسلام برای انبیاء و اولیاء ثابت است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۴۳۲).

۳. سیاست اسلامی: سیاست به معنای اینکه جامعه را راه ببرد و هدایت کند به آن جایی که صلاح جامعه و صلاح افراد است. همانی که در قرآن صراط مستقیم^۱ گفته می‌شود و از خداوند می‌خواهیم که ملت و اجتماع و اشخاص را راه ببرد به یک صراط مستقیمی که از اینجا شروع می‌شود و به آخرت ختم می‌شود و الی‌الله است. این سیاست مختص انبیاء و اولیاء است. انبیاء شغلشان سیاسی است که مردم را از اینجا حرکت می‌دهد و به همه چیزهایی که به صلاح ملت و مردم است، هدایت می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۴۳۲). بنابراین، اندیشه‌ها و عملکرد امام خمینی در عرصه سیاست، او را هم به عنوان رهبر موفق یک انقلاب بزرگ اسلامی و هم به عنوان موسس و معمار یک نظام سیاسی اسلامی (جمهوری اسلامی) به جهانیان معرفی کرد و به نظر می‌آید که این اندیشه‌ها و عملکردها برآمده از یک طرح جامع نظری و به عبارت دیگر یک «هندسه سیاسی»^۲ بوده است. این هندسه سیاسی را می‌توان در آثار امام خمینی (نوشته‌ها و گفته‌ها) بازیافت. نظریه سیاسی ایشان در واقع برگرفته از آیات قرآنی و مبتنی بر یک نگرش مدینه فاضله‌ای بوده که ارکان پنجگانه زیر را شامل می‌شده است: شناخت وضع موجود، معرفی وضع مطلوب، تعیین راه و شیوه‌های حرکت از وضع موجود به سوی وضع مطلوب، آگاهی بر تاریخ (وضع مسبق جامعه)، معرفی شاخص‌های وضع مطلوب براساس جهان‌بینی و اصول اعتقادی اسلام.

1. Straight way

2. Political geometry

ب. مفهوم اندیشه سیاسی

اندیشه سیاسی عبارت است از کوشش برای تعیین اهدافی که به اندازه معقولی، احتمال تحقق دارد و نیز تعیین ابزارهایی که در حد معقولی می‌توان انتظار داشت موجب دستیابی به آن اهداف بشود.

ج. ماهیت اندیشه سیاسی اسلامی

اندیشه سیاسی اسلام و مسلمانان در جهان معاصر، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. اندیشه تجدید حیات سیاسی در جهان اسلام موجب شد از سوی مؤسسات مطالعاتی در مغرب زمین به بنیادهای فکری سیاسی در میان مسلمانان توجه کنند و از طرف دیگر، محققان مسلمان نیز به ذخایر کهن سیاسی خود نگاهی دوباره بیفکنند. بدیهی است که این پژوهش‌ها و مطالعات، هم‌سطح نبوده و از نظر روش و محتوا قابل ارزیابی و درجه‌بندی هستند. هدف از پرداختن به این بحث، این است که نگاه این مطالعات و پژوهش‌ها به ماهیت اندیشه سیاسی اسلامی و طبقه‌بندی‌هایی که در این باره ارائه داده‌اند، مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا بتوانیم با نگاه روش‌مندتری به بحث درباره‌ی تطور اندیشه سیاسی امام خمینی بپردازیم.

این طبقه‌بندی‌ها از جهتی به دو گروه تقسیم می‌شوند: طبقه‌بندی‌هایی که به اندیشه سیاسی اسلامی توجه داشته و آنهایی که فقط به اندیشه سیاسی شیعه پرداخته‌اند. اما آنچه در اینجا نویسنده بدان معتقد است، اینکه فقط طبقه‌بندی براساس هدف و غایت است که می‌تواند نشان‌دهنده ماهیت اندیشه سیاسی اسلامی از جمله اندیشه‌های امام خمینی باشد. بر پایه این طبقه‌بندی، آثار سیاسی اسلامی به هر مذهب و فرقه‌ای که تعلق داشته باشند، در یکی از طبقات ذیل قرار می‌گیرند:

الف. اندیشه‌های سیاسی انقلابی: که درصدد تغییر کامل اوضاع هستند.

ب. اندیشه‌های سیاسی اصلاحی: اندیشه‌هایی هستند که از وضع موجود، راضی نبوده، برای رسیدن به وضع مطلوب، ارائه روش می‌کنند.

ج. اندیشه‌های سیاسی مبتنی بر سلطه و استبداد: که درصدد توجیه وضع موجود هستند.

در مجموع می‌توان گفت که تطور اندیشه سیاسی امام خمینی را می‌توان میان دو گونه

اصلاحی و انقلابی تبیین نمود.

۴. مبانی قرآنی اندیشه سیاسی امام خمینی

۱) مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی: مبادی و مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی امام خمینی در شریعت اسلام، اجتهاد لازم، عقل نظری و حکمت عملی نهفته است. مبانی هستی‌شناسی نیز در جهان‌بینی الهی در کنار جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین اصل آن به شمار می‌رود. هستی‌شناسی امام خمینی، سلسله مراتبی است که این مراتب عبارتند از: عالم ملک، عالم ملکوت و عالم لاهوت. عالم ملک، دنیاست. عالم ملکوت، عالم غیب است. عالم لاهوت، عالم وحدت است. هستی‌شناسی عرفانی امام خمینی اصل وحدت در عین کثرت می‌باشد. از این رو، هستی‌شناسی ایشان دارای تقدس است، چون همه عالم وابسته به او و مست و عطای لحظه لحظه اویند (دیاری بیدگلی، ۱۳۹۵، ص ۷۸).

۲) مبانی انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی: انسان‌شناسی که دومین رکن جهان‌بینی محسوب می‌شود، سومین منبع نظری اندیشه سیاسی امام خمینی در قرآن محسوب می‌شود. انسان‌شناسی به طور نظری سمت و سوی اندیشه سیاسی را در زندگی سیاسی-اجتماعی امام خمینی تبیین می‌کند، چرا که اندیشه سیاسی نظام‌مند و منسجم، تمامی عناصر انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، جامعه‌شناسی، اخلاق و سیاست، حکومت و... با هم ارتباط منطقی و ارگانیک دارند. انسان‌شناسی امام خمینی بخشی از هستی‌شناسی اوست و انسان در حقیقت کلیت هستی می‌باشد، زیرا انسان والاترین مخلوق خداست و برخوردار است از قوه ناطقه و عقل، دلیل بر این ادعاست، به همین دلیل او می‌تواند به بالاترین مراتب کمال و درجات معنوی برسد (فوزی، ۱۳۸۸، ص ۷۴). از دیدگاه امام خمینی، انسان دارای قوه شناخت، عقل و در مرحله بعد دارای قدرت اراده و اختیار در جهت سعادت یا شقاوت است. از این رو، انسان مسئول موفقیت‌ها، شکست‌ها و تمامی کنش‌های سیاسی-اجتماعی خود است. جامعه‌شناسی امام خمینی در یک نظام منسجم جامع و در طول هستی‌شناسی قابل تفسیر است. بدین سان اندیشه سیاسی ایشان سیستمی و منظومه‌ای است که میان عقل نهادی و عقل ایمانی ارتباط منطقی و اندام‌واری ایجاد کرده و تعادل و تعامل منطقی آن دو را در گزاره‌های اسلامی جستجو می‌کند. از جمله مباحث مهم در جامعه‌شناسی امام

خمینی، موضوع تحولات اجتماعی و تغییرات انقلابی در ساختارها است. در این رابطه هدف اصلی و عنصر محوری اندیشه سیاسی امام خمینی، اندیشه اصلاحی بر مبنای تحولات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی برای نیل به جامعه توحیدی است.

۳) **مبانی کلامی - فلسفی:** اگرچه نقطه عزیمت و شکل‌گیری اندیشه سیاسی امام خمینی دارای خاستگاه فقهی است، اما در سال‌های بعد مبانی فقهی سیاست اسلامی را در حوزه کلام قرار می‌دهد و از مباحث کلامی برای نظریه‌پردازی نظام سیاسی بهره می‌گیرد. نمود بارز این مباحث، مفهوم کلیدی اندیشه سیاسی وی یعنی مسئله ولایت فقیه است. البته باید اذعان نمود که هرگونه تلاشی در تفکیک مبانی فقهی، کلامی، فلسفی، اصولی و عرفانی امام خمینی به دلیل جامعیت اندیشه سیاسی ایشان، در نهایت دشوار است. اما به دلیل ضرورت تبیین کلاسیک اندیشه، سعی خواهد شد تا با تفکیک حوزه‌ها، مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی مقوله‌بندی و با روشمندی ارائه شود. از منظر امام خمینی، مبنای‌ترین مبنای کلامی، اصل توحید است و از این رو پایه و اساس اندیشه سیاسی محسوب می‌شود. این اصل به ما می‌آموزد که انسان از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد و ما از این اعتقاد، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم. یکی دیگر از مهم‌ترین مباحث کلامی اندیشه سیاسی امام خمینی جامعیت اسلام است که این موضوع به طور جدی در اندیشه سیاسی ایشان انعکاس دارد. از همین منظر است که ایشان سعادت و کمال انسان را مادی یا معنوی، فردی یا اجتماعی، دنیوی یا اخروی و... نمی‌داند و می‌فرماید: «انسان غیر محدود است و مربی انسان نیز غیر محدود است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۴۲۲). بر این اساس در دیدگاه امام خمینی از آنجا که باورهای دینی هر شخصی نشان دهنده ساختار جهان‌بینی دینی اوست، این باورها در شکل دادن نظام اجتماعی او نیز نقش اساسی به عهده دارند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۲۸۸). از این رو ایشان در کتب خود به فراخور مباحث مختلف، ابعاد گوناگون اسلام و باورهای اسلامی را تبیین می‌نماید که در اینجا برخی از آنهايي که با اندیشه سیاسی او ارتباط نزدیک‌تری دارد، بررسی می‌شود.

الف. توحید: ماهیت حکومت اسلامی مانند حکومت‌های دیگر نیست، بلکه انسان را به معنویات و روحانیت می‌کشد و مهار می‌کند. مکتب توحیدی، راهنمای مردم در خروج از ظلمت است. این از امتیازات مکتب توحید نسبت به تمام مکتب‌های عالم است. در

مکتب‌های توحیدی که در رأس آنها مکتب اسلام است، در عین حال که به مادیات و با مادیات سر و کار دارند، مردم را طوری تربیت می‌کند که مادیات، حجاب آنها برای معنویات نباشد. مادیات را در خدمت معنویات می‌کشند (امام خمینی، ۱۳۹۱، ج ۹، ص ۲۸۸).

ب. معاد: یکی دیگر از مباحث مهم کلامی، معاد و رابطه دنیا و آخرت است که بر پایه آن، دنیا مزرعه آخرت به شمار می‌رود و در واقع این دو از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر هستند. بر همین اساس حیات دنیوی باید بر پایه حیات جاویدان آخرت سامان یابد (فوزی، ۱۳۸۸، ص ۸).

ج. نبوت: بحث نبوت و فلسفه ارسال رسول از دیگر مباحث کلامی است، زیرا انبیاء برای این مبعوث شدند که مردم را به توحید دعوت کنند، معنویات مردم و استعدادها آنها را شکوفا کنند و آنها را از اسارت نفس خارج سازند، تا بفهمند که چه کسی هستند، و علاوه بر آن، مردم ضعیف را از تحت سلطه استکبار بیرون آورند. پیغمبر اکرم(ص) و سایر کسانی که لسان وحی بودند، این دو رویه را داشتند. خود پیغمبر(ص) هم عملش اینطور بود، تا آن روزی که حکومت تشکیل نداده بود، معنویات را تقویت می‌کرد. به مجرد اینکه توانست حکومت تشکیل دهد، علاوه بر معنویات اقامه عدل کرد، و به وسیله تشکیل حکومت، مستمندان را از زیر بار ستمگران تا آنقدر که اقتضاء داشت، نجات داد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۵۲۸-۵۲۷).

د. جامعیت اسلام: اسلام در حکومت الهی، با تمام شئون انسان از آن مرتبه پایین، تا هر درجه‌ای که بالا برود، سروکار دارد. سیاست مملکتی و احکام معنوی، حقایقی هستند که در رشد انسان دخالت دارند و بسیاری از احکامش، احکام سیاسی است. اسلام قبل از اینکه اصلاً تولدی در کار باشد و قبل از زواج برای همه اینها دستوراتی و احکامی دارد. حتی برای مُردن، در قبر و ما بَعْدَ الْقَبْرِ قطع نمی‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۲۱). از دیدگاه امام خمینی اسلام سیاست است و از سیاست دور نیست. اسلام یک حکومت بزرگ به وجود آورده است. اسلام یک رژیم سیاسی است. متنها سایر رژیم‌ها از بسیاری امور غافل هستند که اسلام از هیچ چیز غافل نیست، یعنی اسلام انسان را تربیت می‌کند و به همه ابعاد وجودی او توجه دارد (امام خمینی، ۱۳۹۱، ج ۶، ص ۲۰۰).

۴) **مبانی فقهی- اصولی:** از جمله مباحث مهم مبنایی که اندیشه سیاسی امام خمینی را مستدل، موجه و عمیق نموده است، مبانی فقهی- اصولی ایشان است. در یک نگاه کلی به آرای سیاسی امام خمینی، می‌توان ادعا نمود که شالوده رکن اصلی و زیربنایی اندیشه سیاسی ایشان مبتنی بر گزاره‌های کلامی- فقهی است. البته نقطه عزیمت اندیشه ایشان فقه سیاسی است که در نهایت با مبانی کلامی گره می‌خورد و ترکیب موزون و منطقی خاص از آن دو را بازتولید می‌کند. اولین و زیربنایی‌ترین مبنای فقهی اندیشه سیاسی امام خمینی مفهوم اجتهاد پویا یا اجتهاد لازم و دومین عنصر کلیدی نیز مصلحت است. ایشان همانند همه فقهای شیعه، احکام را تابع مصالح و مفاسد واقعیه می‌داند. امام خمینی اصل مصلحت را به عنوان یک اصل مهم اجتماعی وارد حوزه سیاست نموده و اداره جامعه را بر مبنای آن استوار می‌سازد. این اصل در اندیشه سیاسی ایشان اصل حاکم است و حتی اعمال ولایت فقیهان را تحت تأثیر می‌گذارد و مرزهای آن را توضیح یا تضییق می‌کند، چرا که اصل اولی در هر ولایتی این است که مفید به مصلحت باشد.

۵) **مبانی عرفانی- اخلاقی:** دیدگاه امام خمینی در عرفان به گونه‌ای است که در تعداد نازل و مراحل آن مصر نیست، بلکه آنچه که در نظر ایشان مهم بوده، وصول سالک به حق است. بنابراین، یکی از حوزه‌های مطالعاتی و سیره عملی امام خمینی، عرفان و سیر و سلوک در کمال مطلق و حقیقت الهیه است. از این رو، شخصیت علمی ایشان به واسطه گستره و قلمرو مطالعاتی و پژوهشی، چندوجهی و دارای ابعاد متعدد است. این ویژگی به طور مستقیم در اندیشه ایشان انعکاس یافته است، به گونه‌ای که با مطالعه آراء سیاسی وی می‌توان مبانی قرآنی متعددی را استنباط کرد. این مبانی به عنوان منبع تغذیه اندیشه سیاسی به واسطه اشراق و جامعیت علمی امام خمینی، در نهایت یک منظومه کلی را می‌نمایاند که حاکی از انسجام و ارتباط منطقی اجزای آن است (مقیمی، ۱۳۸۸، ص ۷۸).

۵. ویژگی‌های اندیشه سیاسی امام خمینی در قرآن

اندیشه سیاسی امام خمینی از متون دینی، بخصوص از قرآن گرفته شده است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. **رابطه دین و سیاست:** یکی از مفاهیم محوری در اندیشه امام خمینی، رابطه دین و سیاست است، به گونه‌ای که می‌توان سنگ بنای اساسی اندیشه سیاسی وی را در این

موضوع جستجو کرد. اعتقاد به ضرورت حکومت و دفاع از لزوم وجود نظم سیاسی در جامعه از مباحث پایه‌ای و بنیادین در اندیشه سیاسی امام خمینی است. به همین دلیل می‌فرمود: «والله اسلام تمامش سیاست است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۷۰). امام خمینی، زمانی بر ابعاد اجتماعی- سیاسی دین تأکید ورزید که دین را به عنوان افیون جامعه معرفی می‌کردند، ایشان، با تشکیل نظام اسلامی، عملاً بر تئوری افیون‌انگاری دین، خط بطلان کشید و خود این پندار باطل را به عنوان افیون جامعه، معرفی نمود:

«اینکه می‌گویید اسلام افیون جامعه است، خود این برای اغفال مردم است، چیزهایی که برای اغفال مردم است این افیون است ...، نه آن حقیقتی که آمده و در همان زمان خودش با یک عده فقیر، مملکت حجاز را فتح کرده و عدل و انصاف را تا آخر حجاز برده» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۲۱). بنابراین، از نظر امام خمینی، برپایی نظام، بر مبنای عدل و انصاف، توسط پیامبر بزرگ اسلام، نشان پویایی و تحرک‌آفرینی دین اسلام است که آن خصیصه ذاتی دین می‌باشد.

امام خمینی، علاوه بر بعد نظری، که مکرراً بر آمیختگی دین و سیاست تأکید ورزیده (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۳۳۸-۳۳۹؛ ج ۱۱، ص ۴۶۲-۴۶۳؛ ج ۱۰، ص ۱۲۴-۱۲۵) و اسلام را به عنوان کامل‌ترین دین و یادگار اعظم پیامبران، عین سیاست دانسته است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۷۰)، در عمل نیز به مبارزه با ایده سکولاری رفته و با تأسیس حکومت اسلامی مبتنی بر آموزه‌های دینی، بر جدایی دین از سیاست، مهر بطلان زد. به اعتقاد امام خمینی، اسلام دین سیاست است و در احکام و مواقف آن، سیاست به وضوح دیده می‌شود. ایشان برای این مدعی از متن آموزه‌های دینی به عنوان ناب‌ترین دلیل بر سیاسی بودن آن استدلال می‌نماید. نمونه آن به باور ایشان، اجتماعات هر روز مسلمانان در تمام مساجد کشورهای اسلامی، بر ابعاد سیاسی آن اشاره نموده و از متن آموزه‌ها و احکام عبادی دین، جنبه‌های سیاسی آن را در برابر منکران و جدایی‌انگاران دین از سیاست، عرضه می‌نماید (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۳۳۳ - ۳۳۴). لذا، وی از جمله عالمانی است که بر لزوم تأسیس نظام سیاسی در دوران غیبت معتقد بود و با ارائه دلایل عقلی و نقلی آن را اثبات کرده است.

۲. عدالت: یکی از مفاهیم کلیدی است که همواره امام خمینی بر آن تأکید دارد و

محوری‌ترین جهت‌گیری سیاسی - اجتماعی نظام سیاسی از دیدگاه ایشان محسوب می‌شود. امام خمینی در سیره نظری و مواضع عملی خود، یکی از مهمترین اهداف نظام سیاسی را تحقق قسط و عدالت در جامعه بیان می‌کند. از ویژگی‌های اندیشه سیاسی ایشان آن است که وی حکومت را ابزاری برای تحقق عدالت و معنویت در جامعه می‌داند.

۳. آزادی: آزادی یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی بود و یکی از مفاهیمی که امام خمینی به صورت بنیادین از آن دفاع می‌کردند. از نگاه ایشان حد این آزادی‌ها تا آنجا است که مصالح کشور را به خطر نیندازد. امام خمینی مرزهای آزادی را قوانین دینی و قوانین کشور که برگرفته از اسلام است، می‌دانستند و می‌گفتند در تمام دنیا و تمام کشورها میان آزادی و توطئه مرز وجود دارد (امام خمینی، ۱۳۹۱، ج ۲۱، ص ۴۳۶-۴۳۵).

۴. استقلال: استقلال در تمام زمینه‌ها، عدم وابستگی، نفی دخالت اجانب، قطع نفوذ بیگانگان، تحت نظر دیگران نبودن و اداره مستقل مملکت تعاریفی است که امام خمینی از استقلال ارائه می‌دهد (۱۳۸۵/۰۳/۳۰).

۵. مردم‌سالاری: نقش ویژه مردم در تعیین سرنوشت و حضور فعال آنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی از دیگر محورهای اندیشه امام خمینی است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۹-۳۰).

۶. فرهنگ: امام خمینی یکی از تأثیرگذارترین متفکران عصر حاضر در تاریخ معاصر ایران است. ایشان فرهنگ را مبنا و پایه‌ای برای مسائل سیاسی و اجتماعی می‌داند و معتقد است اگر فرهنگ درست شود و انسان درست تربیت شود، همه مشکلات جامعه درست می‌شود.

۷. وحدت: وحدت میان اقشار مختلف مردم از دیگر مؤلفه‌های اندیشه امام خمینی در عالم سیاست است. ایشان رمز پیروزی انقلاب اسلامی را در سایه وحدت می‌دانست و معتقد بود که از برکات انقلاب اسلامی که موجب عزت ملت ایران و امت اسلامی گردید، مسئله اتحاد بود (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۰، ص ۶۷).

۸. مصلحت: امام خمینی معتقد بود از نگاه اسلام کارگزاران حکومت نمی‌توانند طبق رأی و نظر خود عمل کنند و بر آن اصرار بورزند، بلکه تمام آنچه در حکومت می‌گذرد، باید براساس قوانین الهی باشد. البته حاکم اسلامی می‌تواند در موضوعات، طبق صلاح

مسلمانان و یا صلاح حوزه حکومتی خود عمل کند، اما خود بارها تأکید کردند اگر مصلحت اسلام با مسلمانان را در عمل خاصی می‌دیدند، اقدام می‌کنند و دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را در راستای همین اصل می‌توان ارزیابی کرد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۳۷۱؛ ج ۲، ص ۵۵-۵۰).

۹. دعوت جهانیان به اسلام و گسترش آن: دعوت جهانیان به اسلام و گسترش معارف اسلام در میان ملل مختلف یکی دیگر از مفاهیم کلیدی اندیشه سیاسی امام خمینی است. دعوت گورباچف رهبر حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سابق از این زاویه قابل بررسی است، باید قشرهای غیراسلامی را به مکتب مترقی عدالت پرور اسلام دعوت کند.

۱۰. احیای هویت اسلامی: احیای هویت اسلامی یکی از دیگر از محورهای اندیشه سیاسی و مبارزاتی امام خمینی است. ایشان احیای هویت ملی-اسلامی را رمز استقلال و قدرت کشور و مانعی در راه گسترش سطح قدرت‌های جهانی دانسته و همواره تأکید می‌کردند به هیچ نحو استقلالی حاصل نمی‌شود، مگر اینکه ما خودمان را بشناسیم و باور داشته باشیم.

۱۱. سیاست خارجی: سیاست خارجی، چگونگی روابط با کشورهای خارجی و نحوه تعامل دولت اسلامی در عرصه‌های بین‌الملل و دفاع از مظلومان و محرومان در سراسر دنیا، یکی از مباحث مهم در اندیشه سیاسی امام خمینی محسوب می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۳۹۹).

۱۲. نفی سلطه بیگانگان یا نفی سبیل: یکی از قواعد مهم فقه اسلام است که براساس آن حق سلطه کافران بر مسلمانان نفی شده است. امام خمینی براساس این قاعده با هرگونه سلطه‌طلبی و مداخله بیگانگان در امور مسلمانان به شدت مخالفت می‌کرد. مخالفت ایشان با استکبار، قطع سلطه اجانب و مخالفت با اتکای به قدرت‌های سلطه‌گر، در این راستا است (برزگر، ۱۳۷۳، ص ۸۹).

۶. ویژگی‌های نظریه امام خمینی در قرآن

الف. امام خمینی حقیقت قرآن را مظهر تجلی علمی خداوند می‌داند که این علم به مراتب متنزل شده تا به جایی رسیده است که برای بشر قابل درک باشد.

ب. نظریه امام خمینی این است که براساس نظریه ایشان که باطن قرآن از سنخ معانی نیست، حقیقت قرآن با علوم معارف و حواس و تفکر بشری قابل دسترس نمی‌باشد.

ج. ویژگی سوم نظریه امام خمینی این است که قرآن نه یک باطن، بلکه هفت یا هفتاد بطن دارد. تعداد هفت یا هفتاد احتمالاً براساس روایتی است که در تفسیر صافی آمده است. تعداد بطن در دیدگاه امام خمینی ناشی از نظریه ایشان درباره حقیقت قرآن است.

د. امام خمینی معتقد است که قرآن براساس فهم بشر نازل شده و به گونه‌ای نیست که با این الفاظ قابل فهم نباشد (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۶۷). بی‌شک اساسی‌ترین راهبرد مبانی تفکر انقلابی و دینی امام خمینی را می‌توان در اشاره‌ها و پیام‌های جاویدان مکتب انسان‌ساز قرآن و تعالیم ائمه اطهار(ع) جستجو نمود، به گونه‌ای که بنیادی‌ترین شاکله تفکر تشکیل حکومت دینی و اسلامی امام خمینی را باید در نگاه جامع ایشان به نقش بی‌بدیل تعالیم فراعصری قرآن کریم و کاربست دستورات جامع این کتاب جاودانه تلقی نمود. از همین رو، با مطالعه دقیق و عمیق آراء و آثار قرآنی امام خمینی، مهم‌ترین اصول قرآن‌شناختی ایشان را می‌توان در مؤلفه‌ها و راهبردهای ذیل تقریر نمود:

اصل و حیاتیّت قرآن (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۶۶)، اصل هدایت‌گری قرآن (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۳)، اصل جامعیت قرآن (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۵۳۲؛ ج ۱۸، ص ۴۲۳)، اصل اعجاز در معارف توحیدی و تربیتی قرآن (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۴-۲۶۳).

۷. نظریه سیاسی و انقلاب اسلامی در دیدگاه امام خمینی

امام خمینی قرآن را از چنان ظرفیت و جامعیتی برخوردار می‌داند که می‌تواند تأمین‌کننده جامع نیازهای مادی و معنوی بشریت در مسیر تدارک زندگی سعادت‌مندانه در همه زمان‌ها و مکان‌ها باشد. از دیگر سو، قرآن در دیدگاه امام خمینی صرفاً کتاب اخلاق و تربیت و معرفت فردی نیست، بلکه ایشان قرآن را دربردارنده آموزه‌های اجتماعی و سیاسی در امور مدیریت و حاکمیت جامعه بر مبنای استقلال، آزادی و استکبارستیزی و ظلم‌ناپذیری می‌داند. از همین رو، در باور ایشان، قیام‌های اسلامی در طول تاریخ از جمله قیام عاشورا، برای تجدید قرآن بوده که ملت شریف ایران نیز با تأسی از آن نهضت اسلامی خویش را برای حاکمیت قرآن و تشکیل حکومت قرآنی برپا نموده است و با اتکاء و

اعتصام به قرآن و استمداد از رمز قرآنی، شهادت‌طلبی، پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی حکومت طاغوت را فراهم آورده است که می‌تواند به عنوان سرمشقی مطمئن برای سایر ملل مستضعف اسلامی معرفی می‌کند. از نظر امام خمینی، قرآن حقایقی است که الفاظ و معانی و مفاهیم، حاکی از آن بوده، حقایقی که خداوند اراده کرده است. امام خمینی درباره حقیقت تفسیر قرآن، به صورت موضوعی نوشته‌ای ندارد و به طور پراکنده، استطرادی و گذرا، این مباحث را مطرح کرده است. ایشان بیشتر در سه کتاب تفسیر سوره حمد و آداب الصلوٰه و شرح دعا السحر و سخنرانی‌های عمومی خود، مطالبی را در این باره بیان کرده است. از دیدگاه امام خمینی قرآن ظاهری دارد که در دسترس ما بوده و این همان قرآنی است که بر قلب پیامبر(ص) نازل شد، لیکن این قرآن برای همه طبقات است و هرکس به اندازه توان خود می‌تواند در این قرآن تدبیر و تفکر کند و همچنان که خود قرآن همهٔ انسان‌ها را به تفکر و تدبیر در خویش دعوت می‌کند. بدین جهت، معارف قرآنی به دو بخش علمی و عملی تقسیم می‌شود.

امام خمینی همانگونه که در تعابیر و بیانات پیش گفتهٔ خویش، قرآن را عَلم و پرچم برافراشتهٔ الهی و نیز به مثابهٔ قطب‌نمای ملت مسلمان ایران و رمز پیروزی انقلاب اسلامی می‌داند، در عین حال قرآن را، سلاح اختصاصی پیروزی ملت شهیدپرور ایران در کنار سایر سلاح‌های معنوی و دینی معرفی می‌کند که دشمن هم از دارا بودن این سلاح محروم است و هم اینکه این سلاح را اصلاً نمی‌شناسد. لذا، ایشان در این باره چنین می‌فرماید: «آن حرب‌های که در دست ایران است، پیش آنها نیست و آنها نمی‌شناسند آن حرب‌ها؛ آن حرب‌های ایمان است، حرب‌های توحید است، حرب‌های اسلام است، حرب‌های قرآن مجید است که در تحت بیرق یک همچو اسلام و قرآن و توحید همه مجتمع هستند و آنها تأییدات غیبی الهی را منکر هستند، نمی‌توانند بفهمند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶، ص ۱۰۵).

همچنان که قرآن کریم نیز خود به این نوع از کمک‌ها و تأییدات غیبی در حق مسلمانان صدر اسلام یاد کرده و آن را از جمله مواضع عنایات الهی در پیروز نمودن جبههٔ اسلامی بر جبههٔ شیطانی معرفی نموده است. آنجا که دربارهٔ امداد الهی در جنگ حنین (توبه، ۲۵-۲۶)، جنگ خندق (احزاب، ۱۱-۹) و جنگ بدر (آل‌عمران، ۱۲۶-۱۲۳) به صراحت سخن گفته است.

۸. نتیجه‌گیری

در میان رهبران الهی، امام خمینی شخصیت بزرگی است که از جهت ویژگی‌های بلند انسانی کم‌نظیر و اعجاب‌انگیز می‌باشد. بزرگ‌ترین سیاست‌مدار عصر خویش نیز بود و در اوج مبارزات سیاسی و اقتدار رهبری همان روح عرفانی و معنوی خود را حفظ کرد. در تبیین اندیشه سیاسی امام خمینی در قرآن کریم آنچه به نظر می‌رسد این است که اندیشه سیاسی ایشان در قرآن در حد یک نظریه قابل بررسی است که ایشان آن را در مرحله عمل نیز پیاده کرده‌اند تا به نحو متقابل از عمل سیاسی برای اصلاح اندیشه سیاسی خویش بهره گیرد. امام خمینی نه یک سیاست‌پیشه، بلکه یک متفکر اسلامی برخوردار از اندیشه سیاسی قرآنی است و بنیان اندیشه ایشان توحید و خداباوری بوده و اسلامیت همراه با حکومت، مطلوب ایشان به شمار رفته است.

منابع

قرآن کریم.

۱. برزگر، ابراهیم (۱۳۷۳). مبانی تصمیم‌گیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۱). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲۰، ۲.
۳. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۳-۱۰، ۹، ۱۷، ۴-۱، ۲۱.
۴. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۰). وصیت‌نامه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۸، ۷، ۱۶.
۶. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۱). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۹، ۶، ۲۱.
۷. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵/۰۳/۳۰). سخنرانی در جمع مردم. قابل دسترس در:
<http://www.imam-khomeini.ir>
۸. دیاری بیدگلی، محمدتقی (۱۳۹۵). اندیشه و آرای تفسیری امام خمینی. تهران: انتشارات عروج.
۹. فوزی، یحیی (۱۳۸۸). اندیشه‌های سیاسی امام خمینی. قم: نشر معارف.
۱۰. مقیمی، غلام‌حسین (۱۳۸۸). مبادی و مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی. معرفت، شماره ۱۳۸: ۸۷-۹۸.

References

The Holy Quran

1. Barzegar, I. (1373AP). **Mabani Tasmimgeeri-e Siasi az Deedgah Emam Khomeini (Gm)**. Tehran: Tblighat-e Eslami Organization. [In Persian]
2. Diyari Bidgoli, M.T. (1395AP). **Andisheh va Aray-e Tafsiri-e Emam Khomeini**. Tehran: Orouj Publications. [In Persian]
3. Fawzi, Y. (1388AP). **Andishehay-e Siasi-e Emam Khomeini**. Qom: Ma'aref Publications. [In Persian]
4. Khomeini, S.R. (1361AP). **Sahifey-e Noor**. Tehran: Tanzim va Nashr-e Asar-e Emam Khomeini (Gm) Institute, Vol. 20, 2. [In Persian]
5. Khomeini, S.R. (1378AP). **Sahifey-e Emam**. Tehran: Tanzim va Nashr-e Asar-e Emam Khomeini (Gm) Institute Vol. 21, 1-4, 17, 9, 10-13. [In Persian]
6. Khomeini, S.R. (1380AP). **Testament**. Tehran: Tanzim va Nashr-e Asar-e Emam Khomeini (Gm) Institute. [In Persian]
7. Khomeini, S.R. (1391AP). **Sahifey-e Emam**. Tehran: Tanzim va Nashr-e Asar-e Emam Khomeini (Gm) Institute, Vol. 6, 9, 21. [In Persian]
8. Khomeini, S.R. (1385AP). **Sahifey-e Emam**. Tehran: Tanzim va Nashr-e Asar-e Emam Khomeini (Gm) Institute, Vol.7, 16, 18. [In Persian]
9. Khomeini, S.R. (20 June 1979). **Speech in public**. Available at: <http://www.imam-khomeini.ir> [In Persian]

10. Moghimi, G.H. (1388AP). Mabadi va Mabani-e Andisheh-e Siasi Emam Khomeini (Gm). *Marefat*, NO. 138: 87-98. [In Persian]

شیوه ارجاع به این مقاله

DOI: 10.22034/sej.2020.1897545.1238

دانش مهر، آرش؛ رضانی، رضا (۱۳۹۹). اصول اندیشه سیاسی قرآنی امام خمینی. سپهر

سیاست، ۷ (۲۵): ص ۲۹-۴۶